



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در نساجی ایران دوران مشروط

وثوق الدوله



می‌پرداختند.

هنرمندان و طراحان لباس هم برای این که به نوآوری و تهیه پارچه‌هایی که مورد توجه و درخواست بود؛ بپردازند فعالیتشان را دو چندان کرده و پارچه‌های ابریشمی و پشمی جالب با طرح لوزی شکل و جناغی و راه‌راه‌های طولی و عرضی و راه راه طولی و نواری پهن و باریک یا به صورت خط‌هایی با رنگ‌های الوان و شکل مربع و مستطیل‌های متقارن در طول و عرض پارچه‌ها مبادرت نموده و سطح تولیدات خود را بیشتر کرده و با استفاده از چرخ‌های ریسندگی جدید وارداتی به تولید پارچه‌های هماهنگ‌تر پرداختند.

وثوق الدوله چنان که معمول اشرف‌زادگان آن

وثوق الدوله (میرزا حسن خان وثوق) فرزند میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه است. معتمدالسلطنه از مستوفیان بنام دوران ناصری بود و سالیان دراز منصب استیفای آذربایجان را برعهده داشت. وثوق الدوله سال ۱۲۹۲ قمری در تهران متولد شد. مادر وی دختر مجدالملک سینکی و خواهر میرزا علی‌خان امین الدوله بود به همین مناسبت هم در کنف حضانت پدر بود و هم از حمایت و تربیت امین الدوله بهره‌مند می‌شد و این مراقبت دو جانبه در او حسن اثر بخشید.

در این زمان سران مملکت به فکر خوشگذرانی و عیش و عشرت بودند و مردم را به حال خود گذاشته بودند. مردم هم دو دسته بودند. یک گروه که اصلاً از اوضاع دنیا و مملکت بیخبر بودند و به کار روزانه خود مشغول و بی تفاوت بودند ولی گروه دیگر که در کنار حکام و درباریان طی طریق می‌نمودند از رفت و آمد خارجیان به ایران و مسافرت‌های شاه و اطرافیان به اروپا و بودن در ممالک بسیار زیبا و مترقی اطلاع داشتند. در این حال مردمی که سهم بیشتری در اوضاع مملکت داشتند برای این که از اروپا عقب نمایند با پوشیدن لباس‌های فاخر و زیبا و مراجعه به خیاطان برجسته، البسه نفیس و زیبا تهیه می‌کردند تا بگویند ما هم وجود داریم و با آنهایی که به فرنگ رفت و آمد داشتند به بحث و جدل

زمان بود، فارسی و مقدمات عربی و شمه‌ای از علوم ادبی و ریاضی و سیاق‌نویسی و حسن خط و انشا را آموخت و پس از تحصیلات مقدماتی در آغاز جوانی علوم معقول را نزد شیخ علی نوری و علوم منقول را نزد سیدعبدالکریم لاهیجی در مدرسه مروی درس خواند و از معارف اسلامی بهره کافی برد. سپس در ادبیات و آموختن زبان فرانسه ممارست کرده و زیردست امین الدوله آغاز خدمت نمود.

اوایل سال ۱۳۱۳ قمری به اتفاق پدرش خدمت ناصرالدین شاه رسید و با وسعت معلومات خود توجه شاه را جلب نمود. شاه او را لقب وثوق الدوله داد و با استدعای معتمدالسلطنه استیفای آذربایجان را به نام وی مقرر نمود. وثوق الدوله سالیان دراز سمت استیفای آذربایجان را داشت اما عملاً کار استیفا را پدرش انجام می‌داد.

وثوق الدوله از سال ۱۳۲۳ قمری با مشروطه‌خواهان همداستان شد ولی به اقتضای اعتدال فکر و ملایمت طبع، بدون تظاهر و جنجال در این راه گام برمی‌داشت به همین مناسبت در سال ۱۳۲۴ از طرف بازرگانان تهران به نمایندگی دوره اول مجلی شورای ملی و سپس به نیابت ریاست انتخاب شد. از این پس برادر او میرزا عبدالله خان قوام حضور در امر استیفای آذربایجان با معتمدالسلطنه همکاری می‌کرد و به تدریج کار استیفای آذربایجان به



انگلیس - ، سابلین - شارژدافر روس و کارداران دو سفارت مذاکراتی انجام دادند و ترتیب استرداد جواهرات شخصی شاه را که همراه وی بود دادند و به کار واگذاری املاک شاه به دولت و تأدیه قروش وی خاتمه بخشیده حقوق شاه و شرایطی که منظور بود تعیین نمودند و با میانجی‌گری دو سفارت قراردادی در این خصوص تنظیم شد و به امضا رسید و محمدعلی شاه ایران را ترک کرد.

نکته جالبی که در جریان این مذاکرات خودنمایی می‌کرد اصرار محمدعلی شاه بود به این که بدون هیچ عنوان و مقامی و حتی تحت نظر پاسداران دولتی در ایران بماند و از وطن خود دور نشود. این دلیل وطن‌خواهی او بود اما هیئت مدیره، دولت و دو سفارت قبول نکردند و چنین پنداشتند که ماندن وی در ایران موجب قیام عشایر و تحریک ضدمشروطه خواهد شد.

هیئت مدیره برای رهایی دولت از تگندستی صندوقی به نام «صندوق جرائم و اعانات» زیرنظر وکیل‌الرعیایا همدانی درست کرد و بابت اعانه و جریمه پول بسیاری فراهم آمد و گشایشی در کار دولت پدید آورد. از جمله این ارقام ۳۰۰ هزار تومان پولی بود که در مرز انزلی پس از توقیف ظل‌السلطان از او گرفته وی را به اروپا بازگرداندند. متأسفانه حیف و میل هم در این پول‌ها روی داد و وکیل‌الرعیایا و چند نفر دیگر متهم به سوءاستفاده شدند. هیئت مدیره در دربار هم تغییراتی داد، به خدمت اسمیرنوف معلم - روس احمد شاه - و ۳ طبیب خارجی دربار خاتمه داد و حکیم‌الملک را مأمور تصفیه دربار نمود.

پس از انحلال هیئت مدیره، سپهدار رسماً مقام ریاست‌الوزرا و وزارت جنگ را برعهده گرفت و نخستین کابینه خود را تشکیل داد. وثوق‌الدوله وزیر عدلیه شد و پس از انتخابات دوره دوم که مجلس افتتاح شد به‌عنوان نماینده تهران در مجلس حضور یافت و پس از چندی به وزارت مالیه برگزیده شد.

وثوق‌الدوله آن زمان استیفای کشور را به

استبداد صغیر، وثوق‌الدوله خانه نشین بود و در کار استیفا هم دخالت نمی‌کرد اما در عین انزوا با مشروطه‌خواهان همکاری داشت. پس از آن که سردار اسعد و سپهدار با یارانشان از اصفهان و گیلان رهسپار تهران شدند و گشودن پایتخت را تصمیم گرفتند برای رفع اختلاف بین شاه و قیام‌کنندگان جمع معدودی از مردان نیک‌اندیش و معتدل جمعیتی به نام «کمیته واسطه» تشکیل دادند و بر آن شدند که موجبات اصلاح بین طرفین را فراهم نمایند.

اینان به خوبی تشخیص دادند که با رفتن محمدعلی شاه هرج و مرج داخلی و تجاوزات روس و انگلیس بیشتر و آشکارتر خواهد شد لذا بین تهران، قم، قزوین و کرج رفت و آمد نموده و با شاه و با سران دو نیرو، مذاکرات اصلاحی می‌نمودند و برای حل اختلاف، راه‌های عاقلانه پیشنهاد می‌کردند. سران کمیته واسطه که بیشتر در تلاش برای آشتی و التیام می‌کوشیدند صنایع‌الدوله، امام جمعه خوئی و وثوق‌الدوله بودند اما کوشش آنها به جایی نرسید و سران اردوی بختیاری و نیروی شمال قبول نکردند و سیاست که آنها را برانگیخته بود یا مقاصدی که داشتند، مانع از قبول اصلاح و آشتی می‌شد.

پس از فتح تهران و خلع محمدعلی شاه، کمیسیون به نام «کمیسیون عالی» برای اداره امور مملکت به وجود آمد ولی بعد از مدتی منحل شد و هیئتی مرکب از ۲۰ نفر جای آن را گرفت و «هیئت مدیره موقت» نامیده شد. ریاست هیئت مدیره موقت به وثوق‌الدوله تفویض گردید و این هیئت در شمس‌العماره شروع به کار کرد. این هیئت در کار اجرایی دولت دخالت نمی‌کرد و وظیفه عمده‌اش روشن کردن وضع حکومت و تعیین تکلیف محمدعلی شاه بود. ۵ نفر از اعضای آن یعنی وثوق‌الدوله، مستشارالدوله، تقی‌زاده، نواب و صدیق حضرت برای این کار تعیین شدند. اینان بارها به سفارت روسی در زرگنده رفتند و با حضور سر جورج بارکلی - وزیر مختار

او محول گردید و وثوق‌الدوله در طریق سیاست قدم گذارد.

مجلس اول که یک مجلس انقلابی بود مشکلات بسیار داشت ولی صنایع‌الدوله رئیس مجلس با یاری همکاران خود عمده مشکلات را از میان برداشت و نظم نوین و سازمان حکومت دموکراسی را تا حدی مستقر کرد. یکی از عوامل موفقیت او شخص وثوق‌الدوله بود که نایب رئیس اول مجلس بود. وثوق‌الدوله چون در امر استیفا سابقه و اطلاع کافی داشت کار تنظیم بودجه کشور زیرنظر او قرار گرفت یعنی به ریاست کمیسیون مالیه و بودجه مجلس انتخاب گردید. مجلس اول برای وزیران و حکام و عمال دولت حقوق تعیین کرد و رسوم پیشکشی را موقوف نمود. وزارت‌های اسمی و افتخاری را که عنوان بی‌معنی جمعی مستمری بگیر مفتخور بود، منسوخ کرد، حقوق محمدعلی شاه و مستمری‌های بزرگ شاهزادگان را تقلیل داد و بسیاری از مستمری‌ها را قطع کرد و با گذراندن متمم قانون اساسی، طلسم استبداد را شکست.

کار تنظیم و موازنه بودجه و قطع یا تقلیل مستمری‌ها و حذف مشاغل زائد و وظیفه مشکل و متهورانه‌ای بود. و وثوق‌الدوله و اعضای کمیسیون مالیه از تهدید مستمری بگیران نهراسیدند و ایسن وظیفه را به شایستگی انجام دادند و دخل و خرج کشور زیر کنترل مجلس درآمد و مقررات جدید و صحیح مالی بر مالیه کشور حکمفرما گردید.

مجلس اول که احساس وطن‌خواهی و تجدد در آن موج می‌زد می‌توانست منشأ خدمات درخشان‌تری باشد و کشور ما را در شاهراه دموکراسی و پیشرفت‌های اساسی هدایت کند افسوس که چنین نشد. سیاست خارجی نمی‌خواست که ایران در راه ترقی و تعالی گام بردارد و خود، حافظ استقلال خویش باشد. اغراض شخصی یا کوتاه‌نظری برخی رهبران مشروطه نیز مانع بزرگ رشد مشروطیت ایران بود.

پس از بمباران مجلس در تمام مدت یکسال



موافق پذیرش خواسته روسیه بودند اما مجلس شورای ملی با اکثریت قاطع اولتیماتوم روسیه را رد کرد.

اما در همین روزها مجلس با اینکه دوره خود را تمدید کرده بود، تعطیل شد و دولت اولتیماتوم روسیه را پذیرفت و مورگان شوستر را اخراج کرد. وثوق الدوله با دادن امتیازاتی هم به روسیه و هم به انگلیس، مسئله اولتیماتوم را حل کرد اما عملاً بر قرارداد ۱۹۰۷ مهر تأیید نهاد. این قرارداد که روسیه و انگلیس برای تقسیم حوزه نفوذشان در ایران، میان خود بسته بودند، چهار سال پیشتر که انعقادش به اطلاع دولت ایران رسانده شده بود، با اعتراض مجلس و دولت و

محمدعلی شاه، روبرو شده بود. در راستای به رسمیت شناختن عملی چنین قراردادی بود که وثوق الدوله در جنوب ایران، «پلیس جنوب» را به رسمیت شناخت که انگلیسی‌ها برای حفاظت از مناطق نفت‌خیز تشکیل داده بودند و در شمال، امتیاز معادن حوزه دریای خزر را به خوستاریا، سرمایه‌دار روس داد.

در تابستان ۱۲۹۴ که مستوفی‌الممالک برای سومین بار نخست‌وزیر شد، وثوق الدوله را در ۲۷ مرداد به عنوان وزیر مالیه به مجلس معرفی کرد. او در مقام وزارت مالیه، «کمیسون میکس» را تعطیل کرد که بنابر قراردادی میان ایران با دولت‌های روسیه و انگلیس تشکیل شده بود که نیروهایشان در خاک ایران درگیر جنگ با آلمان و عثمانی بود. این کمیسون که متشکل از نمایندگان دولت ایران و نمایندگان سفارتخانه‌های روسیه و انگلیس بود، اختیارات مالی کشور، یعنی تصمیم‌گیری در مورد بودجه، امور مالیاتی و استخدامی را در دست داشت. اما وثوق الدوله در مقابل تعطیلی این کمیسون، قراردادی با انگلیس بست که تمام مبادلات مالی دولت ایران را در انحصار بانک شاهنشاهی ایران (متعلق به انگلیس) می‌کرد و دولت ایران از هیچ دولت دیگری غیر از انگلیس نمی‌توانست وام بگیرد.

سال ۱۳۳۰ قمری که کابینه صمصام ترمیم شد، وثوق الدوله استعفا داد و علاء‌السلطنه به

مشکلات بزرگی بود که با سیاست خارجی مملکت ارتباط داشت.

وثوق الدوله در آن هنگامه خطر و مداخلات علنی روس و انگلیسی تا آنجا که مقدورش بود کوشید تا مشکلات به هر صورتی از میان برداشته شود گرچه تسلیم در برابر اولتیماتوم روس‌ها و اخراج مستشاران آمریکایی، احساسات ملی مردم را جریحه‌دار ساخت اما اگر دولت تسلیم نمی‌شد روس و انگلیس با استفاده از قرارداد ۱۹۰۷ ایران را اشغال می‌کردند و خطری بزرگ پیش می‌آمد. به هر حال تسلیم در برابر اولتیماتوم خدمت بود یا غیر خدمت وثوق الدوله سهمی از مسئولیت آن را برعهده داشت.

چند ماه پس از آنکه وثوق الدوله زمام وزارت خارجه زمام وزارت امور خارجه را در دست گرفت، با اولتیماتوم روسیه روبرو شد که به دولت ایران چهل و هشت ساعت مهلت داد مورگان شوستر مستشار آمریکایی مالیه و دیگر خارجیانی را که با او کار می‌کنند برکنار کند، تعهد بدهد که تنها با رضایت قبلی سفارت‌های روس و انگلیس افراد خارجی را به خدمت بگیرد و مخارج لشکرکشی روسیه به ایران را بپردازد و گرنه نیروهای روسیه که در رشت توقف کرده بودند، پیشروی خواهند کرد و دولت ایران باید هزینه این پیشروی را هم بپردازد. وثوق الدوله و بقیه اعضای هیئت دولت

۷ استیفای کل (یا ۷ وزارتخانه) تقسیم کرد. اداره خراسان و کرمان، اداره آذربایجان و خمسه، اداره گیلان و مازندران و استرآباد، اداره اصفهان و خوزستان، اداره کردستان و کرمانشاه و اداره بروجرد و لرستان و اداره مرکزی. به جز اینها اداره محاکمات و اداره محاسبات کل و اداره کابینه را به وجود آورد. کوشش وثوق الدوله بر آن بود که سازمانی متناسب با تحویلات جدید ایجاد کند اما روی کار آمدن چند نفر از منسوبانش موجب شد که نسبت قوم و خویش بازی به او دادند. در کابینه مستوفی‌الممالک که پس از برکناری سپهدار تشکیل شد؛ وثوق الدوله بار دیگر به وزارت دادگستری برگزیده شد و در زمامداری مجدد سپهدار به وزارت داخله منسوب گردید اما کابینه سپهدار به واسطه اولتیماتوم روس‌ها و ورود محمدعلی شاه به کمش تپه سقوط کرد.

پس از سقوط سپهدار، صمصام‌السلطنه بختیاری به ریاست الوزرایی برگزیده شد و وزیران خود را به مجلس معرفی کرد.

در این کابینه وثوق الدوله وزیر خارجه بود و این دوره یکی از پرماجرترین دوره‌های وزارت خارجه ایران است.

قیام محمدعلی شاه، شعاع‌السلطنه، سالار الدوله و عشایر طرفدار شاه و اولتیماتوم شدید روس‌ها برای اخراج شوستر و دیگر مستشاران آمریکایی و اختلاف ژاندارمری خزانه با قزاق‌ها از جمله



دولت مزبور می‌داد تا پایان جنگ به صرف بودجه خود برساند.

پس از انجام انتخابات دموکرات‌ها تعداد بیشتری از کرسی‌های مجلس را به دست آوردند و جمعی از نمایندگان اعتدالی و بیطرف هم با آنان ائتلاف کردند و مجلس سوم در سال ۱۳۳۳ قمری با تشریفات باشکوه در حضور احمدشاه، محمد حسن میرزا ولیعهد و هیئت دولت افتتاح شد. جراید حزبی شروع به فعالیت کردند و مشروطه از نو جان گرفت. بعد از اینکه در سال ۱۲۹۹ شمسی از نخست وزیری عزل شد، به جای او مشیرالدوله مامور تشکیل هیات دولت شد، وثوق الدوله عازم اروپا شد و سال‌ها در لندن و پاریس بسر برد تا اینکه در ۱۳۰۴ به ایران بازگشت و در دوره ششم مجلس شورا به نمایندگی مردم تهران برگزیده شد، و در کابینه بعدی نیز به وزارت رسید و با خروج رضاخان از ایران، او نیز از صحنه قدرت تا حدودی حذف شد، او در سن ۸۰ سالگی در تهران در گذشت و در قم در مقبره خانوادگی خود به خاک سپرده شد. وثوق الدوله صرفنظر از شخصیت سیاسی، یکی از چهره‌های ادبیات معاصر است. او در فن شعر و خطابه استاد بود. در ادبیات و معارف اسلامی مطالعات کافی داشت و تفکرات فلسفی او در آثارش نمودار است.

زبان فرانسه را به خوبی می‌دانست و در شیوه شاعری پیرو استادان مقدم بود. وی در اجتماع مرد ماجرا و سیاست بود به همین مناسبت در هنگامه‌های خطر بر روی کار می‌آمد و در دشوارترین مواقع از مشکلات نمی‌هراسید و همین تهور و بی‌باکی برای او دشمنان بسیار به وجود آورد و اتهاماتی بر وی وارد ساخت. وثوق الدوله چه در هنگام قدرت و چه در زمان عزلت، خانه‌اش به روی مردم گشوده بود و تا حدود امان در حد مشکلات صاحبان حاجت می‌کوشید و به‌طور خلاصه می‌توان گفت وثوق الدوله چهره روشنی است که پرده اغراض و اتهامات، رخسار سیاسی او را تاریک نشان داده است.



پارچه‌های زربفت و ترمه و حریر و ایجاد طرح‌های نقش‌دار روی دامن لباس بانوان و کارهای دستی ملیله‌دوزی روی لباس‌های سفارشی پدید آورد. این نوع البسه و پارچه را خارجی‌ان نمی‌توانستند تولید کنند چون به وقت زیادی نیاز داشت، گران قیمت بود و هنوز تولید پارچه‌های ژاکارد به حدی نرسیده بود که بتواند با پارچه‌های زربفت ایرانی رقابت کند لذا درباریان و حکام همراه همسران خود به پوشیدن این نوع البسه فاخر مبادرت می‌نمودند تا برتری و عظمت خود را به بینندگان نشان دهند.

در این اوقات جنگ اروپا با اعلان جنگ اتریش به صربستان آغاز شده بود به صورت جنگ جهانی درآمده و دامنه آن به سوی مرزهای ایران کشیده می‌شد. مستوفی‌الممالک با تصویب شاه و به توصیه متفقین بی‌طرفی دولت ایران را به تمام دنیا اعلام نمود و انتخابات دوره سوم را با دستور شاه با سرعت به جریان انداخت. برای آن که خزانه تهی ایران را مددی برساند با روس و انگلیس وارد مذاکره شد و از آنان خواست تا موافقت کنند که ماهی ۲۰ هزار تومان قسطی را که دولت ایران بابت بدهی خود به دو

جای او به وزارت خارجه انتخاب شد. پس از آن که ژاندارمری به دستور کلنل یالمارسن سوئدی به صدد جمع‌آوری اسلحه از دست بختیاری‌ها برآمد و مرنارد رئیس خزانه هم از دادن پول به بختیاری خودداری کرد و قرار شد قدرت ژاندارمری جای نیروی بختیاری را بگیرد. دولت صمصام متزلزل شد و متعاقب این اختلاف، قشون کشی و جنایات قشون تزاری در تبریز و رشت و ارومیه و به توپ بستن حرم امام رضا در مشهد و تجاوزات آشکار انگلیسی‌ها در جنوب، کابینه صمصام را به سقوط نزدیک کرد و در سال ۱۳۳۲ قمری پس از ۱۸ ماه زمامداری برکنار شد و نوبت به علاءالسلطنه رسید که با انگلیس مناسبات بهتری داشت. در این کابینه بار دیگر وثوق الدوله وزارت خارجه را عهده‌دار شد و هم در این کابینه بود که عین‌الدوله دشمن سرسخت مشروطه وزیر داخله شد. این انتصاب نشان داد که مشروطیت ایران از هدف خود جدا شده است.

در زمان حکومت علاءالسلطنه، احمدشاه قاجار به بلوغ قانونی رسید و در سال ۱۳۳۲ قمری همزمان با تولدش، تاج‌گذاری کرد. در مراسم تاج‌گذاری شاه سفیران و وزیران مختار کشورهای خارجی به اتفاق همسرانشان شرکت کرده و نامه‌های تبریک و هدایای پادشاه و روسای کشورهای خود را تقدیم نمودند.

مردم سه شبانه‌روز جشن و چراغانی باشکوهی برپای داشتند. پس از تاج‌گذاری احمدشاه، ناصرالملک قراقرزلو نایب السلطنه را که برای همین کار از اروپا آمده بود بار سنگین مسئولیت را به دوش شاه نوبالغ گذاشت و به اروپا بازگشت.

علاءالسلطنه کنار رفت و مستوفی‌الممالک به زمامداری رسید و وثوق الدوله هم وزارت دارایی را برعهده گرفت.

در این زمان بانوان شروع به رفتن به مراسم‌های درباری کردند و خرید و دوخت لباس‌های ابریشمی و مخمل و لباس‌های فاخر، بازار مناسبی را برای تولیدکنندگان